نگاه

نتانیاهو بین ۲ رویکرد مذهبی یهود

حافظ البرغوثی

● به‌تازگی اختلافات بین دو مذهب دین یهود، یعنی گرایش ارتدوکس محافظه‌کار و گرایش اصلاح‌طلب لیبرال، تشدیده شده است. مذهب نخست در بین احزاب دینی متحد با بنیامین نتانیاهو و دولتش و مذهب دوم میان اقلیت‌های یهودی آمریکا، کانادا و اروپا طرفداران زیادی دارد. چیلدون ادلسون، میلیاردر پیر آمریکایی که هشتمین میلیاردر جهان به حساب می‌آید و گفته می‌شود ثروتی بالغ بر ۴۰ میلیارد دلار دارد، یکی از چهره‌های همین جریان اصلاح‌طلب است که برای نیایش هم‌زمان زن و مرد در برابر دیوار ندبه، با نتانیاهو وارد گفت‌وگو شد و او هم پذیرفت؛ اما نتانیاهو چند روز بعد بر اثر فشار احزاب دست‌راستی موجود در دولتش، از این نظر برگشت.

نتانیاهو بقای سیاسی خود در دولت را مدیون کمک‌های یهودیان آمریکایی است که سالانه یک میلیارد دلار کمک می‌کنند. از آن گذشته، یهودیان آمریکا مصرف‌کننده اصلی صادرات اسرائیل به آمریکا هستند که بالغ بر صدها میلیون دلار می‌شود. آنها بیش از دوسوم از اسناد خزانه‌داری اسرائیل را خریداری می‌کنند. به معنای دیگر، آنها سرمایه‌گذار اصلی رژیم اسرائیل بوده و فشارهای سیاسی را برای حمایت از اسرائیل در آمریکا اعمال می‌کنند. آنها همچنین فرزندان خود را برای زندگی در شهرک‌ها تربیت می‌کنند و در گروه‌های مختلف هرازچندگاهی آنها را به سرزمین‌های اشغالی می‌فرستند و حتی به آنها آموزش می‌دهند چگونه از سلاح استفاده کنند. با وجود اهمیت این اقلیت، نتانیاهو به خاطر بقای دولتش، این گروه را نادیده گرفت و به همین خاطر با تهدیدهای لابی یهودی (ایباک) از آن طرف اقیانوس اطلس مواجه شد که گفتند کمک‌های مالی و سیاسی خود را به اسرائیل قطع خواهند کرد.

این اختلاف بین دو جریان یادشده، از این هم شدیدتر است. جریان اصلاح‌طلب احساس می‌کند سنت‌های قدیمی یهود دیگر کهنه شده و باید آنها را با مسائل روز تطبیق داد، ازجمله اینکه به همسران سایر ادیان اجازه داده شود یا از ابزارهای موسیقی و میکرفون و برق در نیایش روز شنبه استفاده شود و حتی به زنان باید اجازه داده شود نیایش‌ها را برگزار کنند. همه اینها در بین ارتدوکس‌ها ممنوع است. آنها احساس می‌کنند زنان نجس بوده و ازدواج‌ها با غیریهودیان باعث کاهش جمعیت آنان می‌شود. اسرائیل به لحاظ قانونی با تحریم‌های این مذهب ارتدوکس کنار می‌آید؛ به‌گونه‌ای که کاهنان یهودی نقش مؤثری در زندگی مردم و سیاست دارند. آنها در انتخابات شرکت می‌کنند و از طرفداران‌شان می‌خواهند به آنها رأی بدهند. آنها مخالفان خود را کافر می‌پندارند و می‌گویند از شریعت یهودی خارج شده‌اند. آنها همچنین با حضور زنان مخالف هستند و در وسایل حمل‌ونقل عمومی طرفدار جدایی زن و مرد هستند. آنها می‌گویند جوانان مذهبی نباید به سربازی بروند بلکه باید دروس دینی خود را تکمیل کنند. جالب اینکه برخلاف همه این تعهدات دینی، بیشترین جرائم اخلاقی در بین محافل ارتدوکس اتفاق می‌افتد؛ به‌گونه‌ای که تجاوز جنسی به کودکان یا تجاوز کاهنان به زنان و دختران جوان، بسیار شایع است. آمارها نشان می‌دهد که از هر هفت کودک یهودی، یکی در معرض آزارهای جنسی قرار گرفته است. پلیس تاکنون ده‌ها نفر از افراد متدین را به همین اتهام بازداشت کرده است. تعدادی از خاخام‌ها هستند که به تجاوز جنسی در مدارس دینی دخترانه متهم شده‌اند. پلیس اسرائیل معتقد است حجم جرائم خیلی بیشتر است؛ زیرا خاخام‌ها چنین جرائمی را پنهان می‌کنند یا به شیوه‌های مخفی، بدون اینکه پلیس متوجه شود، قضایا را حل‌وفصل می‌کنند.

ادلسون که بزرگ‌ترین کمک‌کننده اصلاح‌طلب و طرفدار شهرک‌سازی است، به‌تازگی از نتانیاهو فاصله گرفته است؛ زیرا او به وعده خود برای نیایش هم‌زمان زن و مرد در برابر دیوار ندبه وفا نکرد. گفته می‌شود ادلسون روزنامه‌ای به نام «اسرائیل امروز» تأسیس کرد تا از نتانیاهو در برابر روزنامه‌های چپ و میانه حمایت کند. واقعیت این است که نبرد بین این دو مذهب، هنوز تمام نشده است. جریان اصلاح‌طلب خارجی هنوز آن‌چنان که باید از سلاح مالی و سیاسی خود استفاده نمی‌کند. آنها تنها تهدید به توقف حمایت‌های بین‌المللی و تحریم اسرائیل و توقف کمک‌های مالی کرده‌اند. می‌دانیم در نهایت غلبه با آنهایی است که در آن سوی مرزها زندگی می‌کنند. نتانیاهو از سویی با اتهام‌های مختلف مربوط به فساد روبه‌روست که می‌تواند به لحاظ سیاسی او را غرق کند.

منبع: الخلیج

معترضان علیه سیاست‌های اردوغان، از آنکارا به استانبول رسیدند

در برابر بی عدالتی

وقتی سه هفته پیش کمال قلیچداراوغلو، رهبر حزب جمهوری خلق، در اعتراض به بازداشت انیس بربراوغلو، هم‌حزبی‌اش، از عزم خود برای برگزاری یک راهپیمایی اعتراضی خبر داد، شاید کمتر کسی در حزب حاکم، او را جدی گرفت. مخالفانش با تمسخر به او می‌گفتند: «راه برو عمو کمال»؛ اما حالا عمو کمال با طی مسیر ۴۳۲کیلومتری آنکارا تا استانبول، نه‌تنها توانست ده‌ها هزار نفر را در این مسیر با خود همراه کند، بلکه با رسیدن به استانبول، هراس در دل اقتدارگرایانی انداخته است که مخالفان و منتقدان خود را تروریست می‌دانند.

راهپیمایی عدالت بعد از اعتراضات پارک گزی، مهم‌ترین حرکت و جنبش اعتراضی در ترکیه محسوب می‌شود. برخی حتی پا را از این فراتر گذاشته و آن را با راهپیمایی نمک ۱۹۳۰ هند مقایسه می‌کنند که با پایان‌دادن به سلطه‌گری انگلستان، استقلال را برای هند به ارمغان آورد. از دیگر سو، مؤلفه‌هایی مانند رهبری کاریزماتیک، رشد فزاینده جمعیت معترض، استفاده گسترده از رسانه‌های اجتماعی و پرهیز از خشونت، این حرکت را به انقلاب‌های رنگی در اروپای شرقی شبیه کرده است و به همین خاطر، نگرانی‌های زیادی را در حزب حاکم به دنبال داشته است.البته رابطه رجب اردوغان و کمال قلیچداراوغلو همیشه نیز این‌قدر تیره‌وتار نبوده است. تنش میان رهبران دو حزب عدالت و توسعه و جمهوری خلق، در حالی بالا می‌گیرد که یک سال پیش، روابط بین دو حزب حسنه بود. قلیچداراوغلو بعد از کودتای نافرجام، با محکوم‌کردن کودتاچیان هم‌بستگی خود را با دولت نشان داد؛ اما بعد از رفراندوم قانون اساسی در راستای استقرار نظام ریاستی و افزایش اختیارات اردوغان، حزب جمهوری خلق با حزب اردوغان زاویه پیدا کرد؛ تاحدی‌که قلیچداراوغلو، اردوغان را دیکتاتور خواند. رهبر حزب جمهوری خلق، در یادداشتی که به‌تازگی در گاردین منتشر کرده نیز از اعلام وضعیت عمومی از سوی حزب حاکم، پنج روز بعد از کودتای نافرجام در جولای ۲۰۱۶، به عنوان کودتای دوم یاد کرده است که به حکومت قانون و دموکراسی پارلمانی انجامید. او برگزاری همه‌پرسی قانون اساسی را نیز غیرمنصفانه و غیرقانونی می‌داند. البته نباید فراموش کرد که خود حزب جمهوری خلق نیز در فراهم‌آوردن شرایط بازداشت و تعقیب نمایندگانی مانند بربراوغلو، بی‌تأثیر نبوده است. نمایندگان این حزب در ماه می سال ۲۰۱۶ میلادی، همگام با نمایندگان حزب عدالت و توسعه، به لغو مصونیت نمایندگان مجلس رأی دادند. هرچند آنها با این رأی می‌خواستند جلوی سوءاستفاده حامیان تروریسم را بگیرند؛ اما حالا همین رأی به ضرر خودشان استفاده شده است.اگر در ابتدا اردوغان ایده راهپیمایی عدالت را فکری خام و ناپخته می‌خواند، حالا که معترضان به ۶۰کیلومتری استانبول رسیده‌اند، همین فکر ناپخته باعث شده تا اردوغان بیش از هر زمانی، خطر را بیخ گوش خود احساس کند. از یک سو، این حرکت اعتراضی، اقتداگرایی او را به‌شدت زیر سؤال می‌برد و از سوی دیگر، هرگونه مداخله، می‌تواند رقیب او را به یک قهرمان ملی بدل کند. البته اردوغان تا این لحظه از هر فرصتی برای زیرسؤال‌بردن این حرکت بهره گرفته است. او که پیش‌تر رهبر حزب جمهوری خلق را به خط‌گرفتن از «پ‌ک‌ک» و «فتح الله گولن» متهم کرده بود، در یکی از آخرین اظهارنظرهای خود، قلیچداراوغلو را به رابطه با تروریست‌ها متهم کرده است. قرار است این راهپیمایی تا زندان مال‌تپه که برابراوغلو در آن بازداشت است، ادامه یابد. به گزارش بی‌بی‌سی، انیس بربراوغلو، نماینده مخالف دولت است که به اتهام همکاری با جان دوندار، سردبیر سابق روزنامه جمهوریت، در افشای ارسال سلاح از سوی سرویس اطلاعاتی ترکیه (میت) به سوریه در پوشش کمک دارویی و غذایی به ۲۵ سال زندان محکوم شده است. انتظار می‌رود در بیست‌وپنجمین روز و آخرین روز راهپیمایی عدالت، نزدیک به ۱.۵ میلیون نفر در استانبول گرد هم بیایند. اگر این پیش‌بینی درست از کار درآید، حزب عدالت و توسعه ضربه سنگینی را متحمل شده است.

آتش‌بس مورد توافق آمریکا و روسیه در جنوب غربی سوریه اجرائی شد

آتش‌بس از نو

شش سال از جنگ سوریه می‌گذرد؛ جنگی که با راهپیمایی‌های اعتراضی آغاز شد و با مرگ و آوارگی گره خورد. آتش‌بس‌های بسیاری از دل توافق‌های مختلف حاصل شد اما هیچ‌کدام دیری نپایید و گرهی از بحران چندوجهی سوریه نگشود. حالا یک‌بار دیگر و این‌بار پس از توافق روسیه و ایالات‌متحده و اردن آتش‌بسی در مناطق جنوب غربی سوریه به‌اجرا گذاشته شده است. خبر این توافق پس از دیدار دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات‌متحده و ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه، در حاشیه نشست گروه ۲۰ در هامبورگ اعلام شد و روز گذشته و فقط دو روز پس از این دیدار به مرحله اجرائی درآمد. بااین‌حال اماواگرهای بسیاری پیشِ‌روی این توافق است و هنوز روشن نیست نیروهای دولتی سوریه و شورشیان مستقر در جنوب غربی سوریه تا چه میزان به این آتش‌بس متعهد باقی بمانند. این آتش‌بس سه استان درعا، قنیطره و سویدا در جنوب غرب سوریه را شامل می‌شود؛ منطقه‌ای که به‌لحاظ ژئوپلیتیک بسیار حساس و از غرب با بلندی‌های جولات تحت کنترل اسرائیل و از جنوب با اردن هم‌مرز است. از همین‌رو به گفته ناظران، امنیت اسرائیل یکی از هدف‌های اصلی آمریکا در این توافق بوده است. گزارش‌های خبری حاکی از آن است که اسرائیل هرگونه توافق سیاسی برای سوریه را به ایجاد منطقه‌ای حائل در جنوب غربی سوریه و عقب‌نشینی هم‌پیمانان دولت اسد از این منطقه مشروط کرده است. براساس گزارش‌ها بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، در تماسی تلفنی با ولادیمیر پوتین درباره این شرط و شروط‌ها صحبت کرده و خواستار تضمین روسیه دراین‌باره شده است. توافق اخیر آتش‌بس پس از گفت‌وگوها در اردن حاصل شده و روزنامه تایمز بریتانیا هم در گزارشی نوشت یک هیئت اسرائیلی نیز به اردن سفر کرده بود و در این مذاکرات شرکت کرده است. فارغ از منافع و نگرانی‌های روسیه و آمریکا و هم‌پیمانان آنها از این توافق، بسیاری از تحلیلگران توافق واشنگتن و مسکو را یکی از حیاتی‌ترین عوامل در راه پایان‌دادن به جنگ سوریه می‌دانند. همکاری‌های بیشتر این دو کشور تا حدود زیادی می‌تواند به شکست داعش و بازشدن فضای گفت‌وگو برای آینده سیاسی سوریه بینجامد. اما هنوز مشخص نیست افزایش همکاری‌های دو طرف تا چه میزان عملی باشد. تحلیلگران آمریکایی می‌گویند همکاری روسیه و ایالات‌متحده در سوریه با موانع عظیمی روبه‌روست. به باور این گروه از تحلیلگران، این همکاری حتی اگر منحصر به سوریه باشد هم به مشروعیت‌بخشی به روسیه کمک می‌کند؛ کشوری که به اوکراین لشکرکشی و در انتخابات آمریکا و برخی کشورهای اروپایی هم مداخله کرده است. این روزها ولادیمیر پوتین بیش از هر زمانی دیگری در کنگره آمریکا و رسانه‌های آمریکایی منفور است و حتی فکر مصالحه جدی با روسیه هم می‌تواند سیلی از انتقادها را روانه کاخ سفید و به‌ویژه شخص دونالد ترامپ کند. خلاف این نگاه‌های منفی، فقط یک بحث مثبت وجود دارد و آن اینکه؛ همکاری با روسیه می‌تواند تنها راه کاهش خشونت در سوریه باشد و بنیان بازگشت آرامش به کشوری باشد که جنگ تراژیک آن تاکنون ۳۰۰ هزار کشته و ۱۱میلیون آواره برجای گذاشته است. رکس تیلرسون، وزیر خارجه ایالات‌متحده و جیمز متیس، وزیر دفاع این کشور، موافق همکاری‌های بیشتر با روسیه هستند. هربرت ریموند مک‌مستر، مشاور امنیت ملی آمریکا، هم یکی از موافقان و همراهان در این راه است. او توافق آتش‌بس اخیر که روز گذشته اجرائی شد را اولویت آمریکا و گامی مهم برای تحقق صلح در سراسر سوریه خواند و در بیانیه‌ای تأکید کرد: چنین مناطقی اولویتی برای ماست و ما از آن استقبال می‌کنیم. این یک پیشرفت است. اما نگاهی کاملا متفاوت در میان برخی اعضای شورای امنیت ملی آمریکا و کنگره این کشور وجود دارد که احتمال افزایش این همکاری‌ها را دشوار می‌کند. آنها معتقدند همکاری روسیه با متحدان این کشور در منطقه و همچنین دولت بشار اسد، رئیس‌جمهوری سوریه را قدرتمندتر می‌کند و چراغ‌سبزی است برای نقش پررنگ‌تر آنها در آینده سوریه. نگاه مقامات آمریکایی به همکاری با روسیه بسیار متفاوت است و این تفاوت‌ها پیش‌تر هم خود را نشان داده بود. گرچه باراک اوباما، رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا اختلافاتی جدی با پوتین داشت اما دولت او هم تلاش کرد با همکاری با روسیه، آتش‌بس‌هایی را اجرائی کند. پاییز گذشته پس از ۱۱ ماه تلاش جان کری، وزیر خارجه وقت ایالات‌متحده و سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، توافق آتش‌بسی حاصل شد و باراک اوباما و ولادیمیر پوتین این توافق را اعلام کردند. با این همه این توافق که پس از تلاش‌های وقت‌گیر حاصل شده بود فقط پنج روز دوام داشت و با حملات جنگنده‌های ائتلاف به رهبری آمریکا به مواضع ارتش سوریه به پایان رسید. در این حمله که آمریکا آن را اشتباهی و تصادفی خواند، بیش از ۶۰ نیروی نظامی سوری کشته و حدود صد نفر هم مجروح شدند. البته این تنها جنگنده‌های ائتلاف نبوده‌اند که به آتش‌بس‌ها پایان داده‌اند. در بسیاری موارد هم نیروهای ارتش سوریه یا طیف‌های مختلف شورشیان این توافق‌ها را درهم شکسته‌اند.

چه بر سر آینده رهبری جهان می‌آید؟

هارولد جیمز
استاد روابط بین‌الملل
دانشگاه پرینستون

درحالی‌که سؤالات زیادی درباره رهبری جهان وجود دارد، نشست گروه ۲۰ در هامبورگ با وجود داغ‌بودن دیدارهای دوجانبه و چندجانبه، زیر سایه سنگین اختلاف به پایان رسید. از زمان برگزاری اولین نشست گروه ۲۰ در سال ۱۹۹۱ میلادی زمان زیادی می‌گذرد. ایده برگزاری چنین نشستی برای اولین‌بار در سال ۱۹۷۰ و با هدف همسوکردن سیاست‌های داخلی اقتصادهای بزرگ مطرح شد تا از بی‌ثباتی و عدم قطعیت بکاهد، اما سیاست داخلی کشورها امروز خود به شکل جدیدی از عدم قطعیت و بی‌ثباتی انجامیده است. در جایی که در نشست گروه ۲۰ در شهر بریزبن در سال ۲۰۱۴ روسیه در انزوا قرار داشت، در نشست اخیر روسیه جای خود را به ایالات متحده داد. ترامپ بعد از حضور بحث‌برانگیزش در نشست گروه هفت در تائورمینا در ماه می، اعلام کرد که از توافق آب‌وهوایی پاریس کنار خواهد کشید. در واکنش به این تصمیم، رهبران گروه هفت البته به استثنای ترزا می، نخست‌وزیر بریتانیا، بیانیه‌ای در محکوم‌کردن این اقدام ترامپ امضا کردند. ایالات متحده و بریتانیا که در نظم بین‌الملل در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم حکم معماران اصلی نهادهایی جهانی مانند سازمان ملل متحد را داشتند، حال به نظر در یک چرخش ۱۸۰درجه، در تلاش برای واژگون‌کردن این میراث هستند. از زمان انتخاب ترامپ و برگزاری رفراندوم برگزیت در سال گذشته، هر دو کشور مسیر سیاسی مناقشه‌برانگیزی را خلاف جهت گشودگی و پیمان‌های چندجانبه و اتحادگرایی در پیش گرفته‌اند. مسیر این دو کشور با وجود برخی فرازونشیب‌ها، شباهت‌های بسیاری با هم دارد. درواقع، از نظر بسیاری افراد، همه‌پرسی برگزیت پیش‌درآمدی بر انتخاب ترامپ بود. درست مانند کمپین «ترک» [اتحادیه اروپا]در بریتانیا، ترامپ نیز بر ترس رأی‌دهندگان از مهاجران سوار شد و مانند دولت پسارفراندوم می، دولت ترامپ نیز بسیار گیج و سرگردان است. علاوه بر این، در هر دو مورد، کمپین‌های ضعیفی که امید چندانی به پیروزی‌شان وجود نداشت، به پیروزی رسیدند. البته هرچه بیشتر این فاتحان رقابت‌های انتخاباتی در قامت بازندگانی سیاسی ظاهر می‌شوند، بر محبوبیت پوپولیسم چپ‌گرایانه سیاست‌مداران موجه‌تری مانند برنی سندرز در ایالات متحده و جرمی کوربین، رهبر حزب کارگر در بریتانیا، افزوده می‌شود. دولت‌های می و ترامپ از لحاظ نگرش بین‌المللی نیز شباهت‌هایی دارند. هر دوی این دولت‌ها خواهان بازنگری در قراردادهای بین‌المللی از قبیل پیمان‌های تجاری یا در مورد بریتانیا، بازنگری در رابطه با اروپا هستند. اما بنیان این بازنگری متناقض و نامشخص است. از آنجا که برای کارگران آمریکایی و بریتانیایی، جهانی‌شدن با بی‌کاری و نابرابری تداعی می‌شود، آنها خواهان محافظت بیشتر در برابر آسیب‌های جهانی‌شدن هستند. بااین‌حال، حمایت از تولید ملی نیز معمولا هزینه سنگینی را بر مصرف‌کنندگان و به‌ویژه اقشار کم‌درآمد تحمیل می‌کند. درواقع، حجم زیادی از شواهد آماری حاکی از آن است که اقشار کم‌درآمدتر از آزادسازی تجارت بیشترین منفعت را می‌برند.

در چنین بستری، هرگونه تلاش برای تغییر آرایش‌های موجود احتمالا به معنای محدودشدن معاملات و جریمه‌بستن بر واردات برخی کالاها خواهد بود. این مسئله با خطر اقدامات تلافی‌جویانه از سوی دیگر کشورها نیز مواجه است که به نوبه خود چرخه‌ای باطل از تأکید بر تولید داخلی و مقابله با جهانی‌شدن را پدید می‌آورد. در دوران پس از جنگ‌های جهانی، کشورها بیشتر از طریق دولت‌ها، سازمان‌های اجرائی، شرکت‌های بین‌المللی و مؤسسات مالی با هم ارتباط برقرار می‌کردند. این وضعیت محیطی را پدید می‌آورد که مساعد همکاری بود. این در حالی است که امروزه سازوکارهای جهانی‌شدن در مسیر اضمحلال قرار گرفته؛ بوروکراسی‌های حرفه‌ای رو به تحلیل هستند؛ شرکت‌ها و رسانه‌ها به جهت‌گیری‌های میهن‌پرستانه روی می‌آورند. از دیگر سو، صنعت مالی تکه‌تکه شده و از آن منطق‌زدایی می‌شود. نهادهای قدرت نرم مانند هالیوود و دانشگاه‌ها نیز در منجلاب جنگ‌های فرهنگی فرو می‌روند. دانشگاه‌های آمریکایی و انگلیسی برای سالیان سال در صدر رتبه‌بندی دانشگاه‌های جهان قرار داشتند و خود را به چشم مؤسساتی جهانی با مسئولیتی جهانی می‌دیدند. درو فاوست، رئیس دانشگاه هاروارد، اغلب درباره نقش بین‌المللی دانشگاه متبوع خود با اشتیاق سخن می‌گوید و دانشگاه پرینستون نیز اخیرا شعار خود را از «در خدمت ملت و خدمتگزار تمامی ملل» به «در خدمت ملت و خدمتگزار انسانیت» تغییر داده است. بااین‌حال، در سال‌های اخیر، جهانی‌گرایی رو به افول گذاشته است. جملات به‌یادماندنی تراز می را قبل از کنفرانس حزب محافظه‌کار در اکتبر گذشته به یاد آورید وقتی که گفت: «اگر اعتقاد دارید شهروند جهان هستید، شما شهروند هیچ کجا نیستید. شما معنای واژه شهروند را نمی‌دانید».با توجه به افول روحیه جهانی‌گرایی پساجنگ، فرایند جهانی‌شدن به یک رهبری جدید و همچنین نگرشی تازه به همکاری‌های چندجانبه و قدرت نرم نیاز دارد.

این واقعیت به شکلی اجتناب‌ناپذیر چین و اروپا به‌ویژه آلمان را به این سمت سوق داده تا خود را به‌عنوان مدافعان جدید نظم جهانی ببینند. درواقع مواضع چین و آلمان بیش‌ازپیش درباره بسیاری از مسائل مهم و کلیدی به هم نزدیک شده است. هر دو کشور بر حفظ تعهد خود به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای تحت توافق پاریس پایبند بوده و دست رد به نگرش ترامپ به بهانه دفاع از صنعت زغال‌سنگ می‌زنند. همچنین امروز شاهد شکل‌گیری یک ائتلاف آشکار میان چین و آلمان در مقابل حمایت از تولید ملی هستیم. اخیرا بعد از اینکه شی جینپینگ، رویکرد حمایت از تولید ملی را به «زندانی‌کردن خود در اتاق» تشبیه کرد، آنگلا مرکل لب به تحسین این سخنان گشود. آلمانی‌ها که ریاست نشست اخیر گروه ۲۰ را نیز برعهده داشتند، کوشیدند از این فرصت برای پرکردن جای خالی آمریکا در ترویج و پیشبرد روند جهانی‌شدن استفاده کنند. البته آلمان به تنهایی کوچک‌تر از آن است که بتواند در قامت یک نیروی هژمونی عمل کند و جایگاه این کشور در منطقه یورو همچنان در سایه بحران مالی ۲۰۰۸ متزلزل است. چین نیز برای به‌دست‌گرفتن رهبری جهان، موانعی را پیشِ‌روی خود می‌بیند. بخش مالی این کشور هنوز نسبتا توسعه‌نیافته باقی مانده و مستعد بحران است. طرح زیرساختی عظیم چین تحت عنوان «یک کمربند، یک جاده»، این کشور را با مشکلات جدیدی مواجه کرده و بر آتش رقابت‌های موجود در آسیا می‌دمد و دست آخر اینکه افق رهبری چین با هراس‌هایی درباره سرنوشت دموکراسی همراه است. در بطن و مرکز نقدهای ضدجهانی‌شدن در کشورهای ثروتمند همواره خواست آزادی و دموکراسی نهفته بوده است.

بدون شک، برخی مواد و عناصر سازنده شکل نوینی از رهبری جهان همین حالا نیز مهیاست: چین دانشگاه‌های بزرگی دارد که به‌سرعت در حال پیشرفت هستند و آلمان از دموکراسی قدرتمندی برخوردار است که بر پایه اصول فدرال برپا شده است. اما بدون تمامی اجزای سازنده، یک جای کار می‌لنگد. یک قرن رهبری جهان ازسوی آمریکا، بر نهادها و مؤسسات داخلی قدرتمند، ارزش‌های مشترک جهانی و یک حیات فرهنگی پویا مبتنی بود. جهانی‌سازی‌ای که صرفا بر منطق اقتصادی مبتنی باشد، راه به جایی نخواهد برد.

منبع: پروجکت سیندیکیت

رویداد

مهندس روابط اسرائیل و عربستان

● بندر بن‌سلطان، رئیس اسبق سازمان اطلاعات عربستان، مهندس روابط این کشور با تل‌آویو بوده است. براساس تحقیقی که در اسرائیل انجام شده، تحول در روابط تل‌آویو و ریاض از اوایل دهه ۸۰ قرن گذشته، آغاز شده بود و اولین نشانه‌های این تحول، ارائه طرح‌هایی از سوی ریاض برای حل منازعه فلسطینی ـ اسرائیلی در قبال به‌رسمیت‌شناختن رژیم صهیونیستی، از سوی کشورهای عربی بود.به گزارش مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین، براساس این تحقیق، شاهزاده بندر، عامل تحریک خاندان پادشاهی عربستان، به تقویت روابط با اسرائیل بوده است؛ چراکه معتقد به لزوم استفاده از این روابط برای مقابله با ایران بود. بندر در سال ۲۰۰۷ با ایهود المرت، نخست‌وزیر وقت این رژیم، دیدار کرده بود و مائیر داگان، رئیس سازمان جاسوسی اسرائیل «موساد» هم با مسئولان عربستانی دیدار داشت. مهم‌ترین مسائل مورد بحث، میان داگان و مسئولان عربستانی، درخواست از ریاض برای صدور مجوز عبور هواپیماهای اسرائیلی از آسمان عربستان در مسیر حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران، در صورت اتخاذ چنین تصمیمی از سوی مقامات اسرائیل بود.

استقبال عباس از طرح ترامپ برای تشکیل کشور فلسطین

● رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین از آمادگی‌اش برای پذیرش طرح رئیس‌جمهوری آمریکا برای تشکیل کشور فلسطین در مرزهای ۱۹۶۷ خبر داد. به گزارش ایسنا، محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین در مصاحبه با روزنامه «الشرق‌الاوسط» پس از پایان سفر کاری خود به تونس گفت امیدوار است دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا به تعهدات خود نسبت به حمایت فعلی‌اش از ایجاد کشور مستقل فلسطین در اراضی اشغالی در مرزهای ژوئن ۱۹۶۷ و گزینه همزیستی مسالمت‌آمیز دو کشور و شهروندان عربی و اسرائیلی و توقف شهرک‌سازی پایبند بماند.

روسیه: موشک آزمایش شده کره‌شمالی قاره‌پیما نبود

● هیئت دائمی چین در سازمان ملل که ریاست شورای امنیت این سازمان را در ماه جولای برعهده دارد اعلام کرد: روسیه مدارکی را به سازمان ملل فرستاده که نشان می‌دهد کره‌شمالی در چهارم جولای فقط یک موشک میان‌برد آزمایش کرده است نه بالستیک قاره‌پیما. کره‌شمالی سه‌شنبه اعلام کرد با موفقیت اولین موشک بالستیک قاره‌پیمای خود را آزمایش کرده که ۵۸۰ مایل مسیر را پیموده و به ارتفاع ۱۷۴۰ مایلی در ۳۹ دقیقه پرواز دست یافته و منطقه هدف را در دریای ژاپن مورد اصابت قرار داده است. در همین حال، کره‌شمالی با انتقاد شدید از پرواز پنج بمب‌افکن آمریکایی بر فراز شبه‌جزیره کره، واشنگتن را متهم کرد که این شبه‌جزیره را به سمت یک جنگ هسته‌ای سوق می‌دهد.

بازداشت تعدادی از حامیان رهبر اپوزیسیون روسیه

● چندین نفر از حامیان رهبر اپوزیسیون روسیه در شهرهای مختلف این کشور بازداشت شدند. به گزارش دویچه وله، یک روز پس از آزادی الکسی ناوالنی، از رهبران اپوزیسیون روسیه بعد از تحمل ۲۵ روز حبس، نزدیک به ۴۰ نفر از حامیان او در مسکو به اتهام برهم‌زدن نظم عمومی بازداشت شده‌اند. همچنین ۲۰ نفر دیگر نیز در شهرهای دیگر روسیه به وسیله نیروهای پلیس بازداشت شدند.

تظاهرات اسرائیلی‌ها علیه نتانیاهو

● صدها اسرائیلی در اعتراض به روند کند و آرام تحقیقات در راستای پرونده فساد نخست‌وزیر اسرائیل اعتراض کردند. به گزارش ایسنا، به نوشته روزنامه عبری زبان یدیعوت آحارونوت، صدها اسرائیلی در مقابل منزل آویخای مندلبیت، دبیرکل و مشاور قضائی دولت اسرائیل در شهر «بیتاح تیفکا» در نزدیکی تل‌آویو، نسبت به روند کند و آرام تحقیقات و رسیدگی به پرونده فساد بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل و متهم‌کردن مسئولان قضائی به کارشکنی در این پرونده، تظاهرات اعتراض‌آمیزی به راه انداختند.

حبس خانگی برای رهبر اپوزیسیون ونزوئلا

● رهبر اپوزیسیون ونزوئلا پس از سه سال حبس از زندان آزاد شد و به حبس خانگی رفت. این اقدام دولت سوسیالیست کاراکاس، امیدهایی را درباره عفو گسترده ده‌ها فعال زندانی ایجاد کرده است. به گزارش ایسنا، به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس، لئوپولدو لوپز، رهبر اپوزیسیون ونزوئلا پس از آزادی با جمعی از هوادارانش روبه‌رو شد و پس از بوسیدن پرچم کشورش، مشت دست راستش را به نشانه مبارزه‌طلبی بالا برد.